

تاریخ معاصر ایران

رجال فارس در واپسین دوره قاجار

حکومت بریتانیا
در هند، ۱۹۲۵

ترجمه کاوه بیات



تاریخ معاصر ایران

مجموعه تاریخ معاصر ایران- ۸۷

انتشارات شیرازه کتاب ما



سرشناسه	: بیات، کاوه، ۱۳۳۳ - مترجم
عنوان و نام پدیدآور	: رجال فارس در واپسین دوره قاجار : حکومت بریتانیا در هند، ۱۹۲۵ / ترجمه کاوه بیات.
مشخصات نشر	: تهران: شیرازه کتاب ما، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۲۱ص: نمودار.
فروست	: مجموعه تاریخ معاصر ایران: ۸۷.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۷۴۸۹-۶۷-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
عنوان دیگر	: حکومت بریتانیا در هند، ۱۹۲۵.
موضوع	: سیاستمداران ایرانی -- قرن ۱۳ق.
موضوع	: Politicians, Iranian -- 19th century *
موضوع	: مشاهیر -- ایران -- فارس -- سرگذشته
موضوع	: Celebrities -- Iran -- Fars -- Biography
موضوع	: ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ق. -- سرگذشته
موضوع	: Iran -- History -- Qajars, 1779 - 1925 -- Biography
رده بندی کنگره	: DSR1۴۴۰
رده بندی دیویی	: ۰۷۵۲۰۹۲۲/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۴۶۰۰۲۵



رجال فارس در واپسین دوره قاجار

حکومت بریتانیا در هند، ۱۹۲۵

مترجم: کاوه بیات

انتشارات: شیرازه کتاب ما

چاپ و صحافی: پردیس دانش

تیراژ: ۵۵۰ نسخه

چاپ اول: مهر ۱۴۰۰

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران، صندوق پستی: ۱۱۱-۱۳۱۴۵

تلفن: ۸۸۹۵۲۲۹۷ فکس: ۸۸۹۵۱۶۹۱

همراه: ۰۹۳۶-۹۵۰۰۱۸۲

سایت: www.shirazehketab.com

رجال فارس

در واپسین دوره قاجار

حکومت بریتانیا

در هند، ۱۹۲۵

ترجمه

کاوه بیات

فهرست مطالب

مقدمه مترجم	۷
فهرست رجال	۱۱
شرح حال رجال فارس و پاره‌ای از مقامات ایرانی که در شیراز خدمت کرده‌اند	۱۷
والیان فارس از سرآغاز دوره قاجار	۱۶۱
نسبت [خانوادگی] والیان فارس با خاندان سلطنتی	۱۶۵
فرمانروایان و حکام بوشهر از نظر ارتباط آنها با حکومت	۱۶۶
فهرست اعلام	۱۶۹
شجره‌نامه‌ها	۲۰۷

شجره‌نامه خوانین برازجان

شجره‌نامه خوانین دشتی

شجره‌نامه خوانین کشکولی

شجره‌نامه هاشمیه و قوامی‌های شیراز

شجره‌نامه ایلخان‌های قشقایی

شجره‌نامه خوانین ایل بویراحمدی کهگیلویه

شجره‌نامه خاندان نوری شیراز و تهران

مقدمه مترجم

در پی شروع جنگ اول جهانی و تبدیل ایران به یکی از عرصه‌های رویارویی متفقین و دولت‌های مرکز، حضور نظامی بریتانیا در ایران که تا پیش از این به استقرار واحدهای پراکنده - بیشتر نیروهای محافظ کنسولی - در صفحات جنوبی کشور محدود بود، به یک لشکرکشی نسبتاً گسترده در آن حدود منجر شد؛ در آغاز بیشتر محافظت از تأسیسات شرکت نفت هدف بود اما با ورود عثمانی به جنگ و حمله آنها به همین نقطه آسیب‌پذیر، بین‌النهرین نیز بر دیگر جبهه‌های جنگ بین‌الملل افزوده شد؛ جبهه‌ای که یک سر آن در منتهی‌الیه رودهای دجله و فرات در حدود بصره و شط‌العرب قرار داشت و با شروع جنگ میان روسیه و عثمانی سر دیگر آن در امتداد سرحدات غربی ایران - کردستان و آذربایجان - تا به قفقاز ادامه یافت.

در این میان با تصمیم گروهی از نیروهای سیاسی کشور در بهره‌برداری از این رویارویی و ورود به جنگ بر ضد روسیه و بریتانیا دامنه لشکرکشی متفقین به نقاط مرکزی و جنوبی ایران نیز کشیده شد؛ رسیدگی به تحرکات جاری در صفحات شمالی و مرکزی کشور بر عهده قوای روسیه قرار گرفت و رسیدگی به تحرکات جنوب و جنوب شرق نیز بر عهده بریتانیا.

عملیات نظامی مستلزم دانش و اطلاع بود و گردآوری هرچه سریع‌تر تمام داده‌های جغرافیایی و سیاسی این حوزه‌های عملیاتی نیز از لوازم کار. بخش اصلی این مهم بر عهده دایره اطلاعات قوای هند امپراتوری بریتانیا قرار گرفت که از همان

بدو کار تدوین مجموعه‌ای از دفاتر راهنما را برای آشنایی کادر نظامی با خصوصیات جغرافیایی، انسانی و سیاسی حوزه‌های عملیاتی قوای مزبور برعهده گرفت. در کنار بررسی‌های جغرافیایی با اشتغال بر مضامینی چون راه‌ها، شهرها و روستاها، کوه‌ها و رودها، خصوصیات مردمان کوچرو یا یکجانشین این حوزه‌ها، برای گردآوری اطلاعات دربارهٔ چهره‌های سیاسی و متنفذ محلی نیز رشته اقداماتی انجام گرفت که به تدریج و در پی انتشار «ویراست»‌هایی چند به گرد آمدن داده‌های گسترده‌ای منجر شد که در یک مرحله در کنار شکل دادن به بررسی‌های جامعی چون تکمیل و توسعهٔ فرهنگ‌های رجال پیشین، می‌توانست به شکل عناوین تخصصی‌تر و منطقه‌ای‌تری نیز تعریف و تدوین گردد.

در توضیح بیشتر با استناد به مجموعه اسناد و گزارش‌های گردآمده در کتابخانهٔ دیجیتالی قطر، به چند نمونه از این ویراست‌های اولیه می‌توان اشاره کرد؛ رجال بین‌النهرین، ستاد فرماندهی، هند، شمله، ۱۹۱۵، (۴۲۰ص)^۱ هم نام افراد را در خود داشت و هم نام پاره‌ای از جای‌ها؛ یکی از ویژگی‌های این کتابچه، خالی گذاشتن سطوری چند بین بسیاری از این اسامی بود برای آنکه در طول کار با کسب اطلاعات بیشتر کامل شوند.

در ویراست بعدی - رجال بین‌النهرین، ستاد فرماندهی، به تدوین بخش اطلاعات، نیروی اعزامی هند، «دی»، ۱۹۱۶، دهلی، ۱۳۳ص^۲ - با فهرستی کامل‌تر و فشرده‌تر از رجال مورد بحث و حذف اماکن، روبرو هستیم.

از دیگر دفاتری که در این مجموعه به چشم می‌آیند رجال ایران، جلد سوم، عربستان [خوزستان]، لرستان، اصفهان و بختیاری، چاپ اول ۱۹۲۲، ۴۵ص^۳ هستند و جلد چهارم آن که رجال «بلوچستان ایران، کرمان، بندرعباس، فارس، یزد و لارستان» را شامل می‌شود (فرماندهی کل، هند، چاپ اول، ۱۹۲۳، ۱۵۱ص)^۴.

1. *Who's Who in Mesopotamia*, General Staff, India, Simla, Government Central Branch Press, 1915, 420+9p.

2. *Who's Who in Mesopotamia*, Compiled by Intelligence Branch, Indian Expeditionary Force "D", General Staff, India, Delhi, Superintendent Government Printing, India, 1916, 133p..

3. *Who's Who in Persian*, (Volume III), Arabistan, Luristan, Isfahan & Bakhtiari, General Staff, India, First Edition 1922, Simla, - Government Central Press, 1923, 45p.

4. *Who's Who in Persian*, (Volume IV), Persian Baluchistan, Kerman, Bandar Abbas, Fars, Yezd and Laristan, General Staff, India, First Edition 1923, Simla, Super Intendent, Government Central Press, 1923, 151p.

آنچه اینک تحت عنوان *رجال فارس در واپسین دوره قاجار* یا به عبارت دقیقتر *شرح حال رجال فارس و پاره‌ای از مقامات ایرانی که در شیراز خدمت کرده‌اند* به فارسی ترجمه و ارائه می‌شود، یکی از نتایج نهایی یک کار گروهی، در چند مرحله است که در ۱۹۲۵ در هند، برای استفاده داخلی دوایر حکومتی بریتانیا منتشر شد.^۱ در این کتابچه شرح حال ۳۶۱ نفر از رجال مورد بحث - اکثراً بزرگان ریز و درشت فارس و تعداد کمتری نیز مقامات اعزامی از مرکز - ارائه شده است. پاره‌ای از این مدخل‌ها نظر به اهمیت موضوع یا داده‌های موجود، کوتاه و مختصر هستند و پاره‌ای نیز بلند و مفصل.

اگرچه در پاره‌ای از موارد سعی شده درباره سوابق قبلی و نیاکان افراد مورد بحث نیز اطلاعاتی ارائه شود اما تأکید اصلی بر تحولات و تحرکات فارس در سال‌های دو دهه ۱۹۰۰ و ۱۹۱۰ و نیمه نخست دهه بعد است.

قاعدتاً بخش اصلی این اطلاعات باید در چارچوب وظایف اداری کنسولگری‌های بریتانیا در شیراز و بوشهر و آنگاه دوایر اطلاعاتی نیروهای نظامی بریتانیا در جنوب ایران گردآوری شده باشد. در مواردی که از رجال اعزامی از مرکز سخن در میان است، بخش عمده‌ای از اطلاعات ارائه شده به گونه‌ای که ارجاع داده شده است از دیگر مآخذ دولتی بریتانیا اقتباس شده‌اند، به همراه افزوده‌ای در ارتباط با دوران خدمت آنها در فارس.^۲

اشارات ضمنی و تلویحی به پاره‌ای از رخدادهای محلی نیز از دیگر مزایای این

1. *Biographies of the Notables of Fars and Certain Persian Officials who have served at Shiraz*, Delhi, Government of India Press, 1925, 76-I-xiv p.

۲. از جمله از گزارشی از جی. پی. چرجیل تحت عنوان *یادداشت‌های شرح حال گونه درباره دولتمردان و رجال ایران* یکی به تاریخ اوت ۱۹۰۵ چاپ هند، ۱۹۰۶، ۹۵ صفحه، مشتمل بر ۵۶۸ مدخل (در Dr. R. M. Burrell, General Editor, *Iran Political Diaries, 1887-1965*, Archive Edition, Vol. 2, 1997, pp. 533-649) و دیگری گزارشی تحت همان عنوان به تاریخ سپتامبر ۱۹۰۹، چاپ هند، ۱۹۱۰، ۱۱۷ صفحه، مشتمل بر ۶۰۵ مدخل (در *Ibid.*, Vol. 4, pp. 441-683). بخشی از یادداشت‌های فوق به مشخصات ذیل ترجمه و منتشر شده است: جورج پی. چرجیل، فرهنگ *رجال قاجار*، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، تهران: انتشارات زرین، ۱۳۶۹. مآخذ دیگری که در مورد رجال مرکز بدان ارجاع داده شده است، گزارش نظامی درباره تهران و ایالات مجاور آن در شمال غرب ایران به قلم کپتین ال. اس. فورسکیو است (چاپ هند، ۱۹۲۰، و در دسترس در گنجینه کتابخانه دیجیتال قطر). بخش رجال آن تحت عنوان *رجال تهران و برخی ولایات شمال غرب ایران* توسط محمدعلی کاظم‌بیگی ترجمه و منتشر شده است. تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹.

مجموعه است و همچنین انضمام مجموعه‌ای از فهرس مختلف و شجره‌نامه‌های خاندان‌های ذی‌نفوذ فارس به صورت پیوست؛ از جمله فهرست اسامی و تاریخ خدمت والیان فارس از آغاز عصر قاجار، فهرست حکام بوشهر و بنادر، و شجره‌نامه خاندان‌های هاشمیه و قوامی شیراز، ایلخان‌های قشقایی، خاندان نوری (شعب تهران و شیراز) و خوانین کهگیلویه و بویراحمد، کشکولی، دشتی و برازجان. در کنار احتمال دقیق نبودن پاره‌ای از این اطلاعات، این نکته را نیز باید در نظر داشت که چنین گزارش‌هایی از منظر منافع بریتانیا و برای حفظ و تداوم چنین منافعی نگاشته شده‌اند و از این رو طبیعی است اکثر هواداران بریتانیا در دوره مورد بحث افرادی فهمیده، سلیم‌النفس و وارسته توصیف شوند و اکثر مخالفانشان نیز نامتعادل، قسی‌القلب و نادرست. اما به‌رغم این تفاسیل و کاستی‌ها به‌گونه‌ای که ملاحظه خواهد شد با توجه به فقدان هرگونه مأخذ داخلی مشابه، بررسی‌هایی از این دست ارزش تاریخی فوق‌العاده‌ای دارند و در تطابق با دیگر اسناد و گزارش‌ها، قابل استناد و ارجاع.

در ترجمه این متن، تنها در مواردی به ذکر معادل هجری قمری تاریخ‌های میلادی اقدام شد که با ثبت شدن روز یا ماه واقعه مورد بحث آوردن معادل نسبتاً دقیقی میسر بود.

کاوه بیات

فهرست رجال

اسمعیل خان فروغ الملک	آقاخان برازجانی، ضرغام السلطنه
اکبر میرزا صارم الدوله	آقاخان شبانکاره‌ای
الیاس خان کشکولی	آقاخان لیراوی
امامقلی خان رستم	آقاسردار نودانی
امان‌الله خان افشار، سردار ناصر	آقاعلی زارع (شیرازی)
امان‌الله خان بواناتی	آقامحمدحسین دهدشتی
امراالله خان کشکولی	ابراهیم خان سورمقی، بهادر دیوان
امیر آقاخان بهارلو، صمصام عشایر	ابوتراب خان، سلطان
امیر آقاخان عرب، منصور السلطنه	احمدخان اخگر
امیرحسین خان اعتماد سلطان	احمدخان تنگستانی
امیرحسین خان «عطاپور»، یاور	احمدخان شش‌بلوکی
امیرحسین قشقایی، سالار افخم	احمدخان قشقایی، سردار احتشام
امیرعطاخان امیرعشایر، صولت السلطنه	اردشیرخان کشکو
قشقایی	ارغوان خان قشقایی، بهادر السلطنه
ایازکیخا دره شوری	اسدالله خان باوی
بهادرخان بکش	اسدالله خان سلماسی، یاور
پرویزخان باصری، ضرغام سلطان	اسدالله ملک‌زاده، یاور
تقی خان نوری، امیرنصرت	اسدالله میرزا دیهیم، احتشام همایون
جعفرقلی خان سهام الدوله	اسفندیارخان کشکولی
جهانگیرخان شبانکاره‌ای	اسمعیل خان صولت الدوله، سردار عشایر
جهانگیرخان کشکولی	قشقایی

حاجی میرزا عبدالحسین شیرازی،

ذوالریاستین

حاجی میرزا محمدباقر دستغیب

حاجی میرزا محمدتقی فصیح‌الملک

حاجی نصرالله خان مرودشتی

حسن خان ملک‌زاده، یاور، تبریزی

حسن علی خان حکمت، حشمت‌الممالک

حسین آقا (لقب ایرانی، اعتمادالتجار)

حسین خان دره‌شوری

حسین خان دشتی

حسین خان صمصام نظام

حسینقلی خان قشقای، صمصام‌السلطان

حسینقلی میرزا نصرت‌السلطنه

حیدرقلی خان سرتپ

خالو حسین بردخونی

خان باباخان مدیرالدوله

خانبازخان بنی‌عبداللهی

خضری‌گ دیلی‌گلو

خواجه‌باشی کازرونی

خواجه عبدالله کازرونی

رئیس غلامحسین بته‌گزی

رضاقلی خان بیدشهری

رضاقلی خان مافی، نظام‌السلطنه

زوزف سلامه

سرتپ خان بویراحمدی، بهادرالدوله

سردار خان کُرای، صولت‌دیوان (خشتی)

سلطان علی خان عطاءالدوله سوم

سلیمان خان دشمن‌زیادی

سهراب خان دشت‌ارژنی

سهراب خان شبانکاره‌ای

سیداحمد دشتکی، مهذب‌الدوله

سیداحمدعلی کازرونی، صدرالاسلام

سیداحمد یزدی، علم‌الهدی

جوادآقا، امیرهمایون

حاجی آقا شیرازی (معروف به کل)

حاجی آقا شیرازی

حاجی اسدالله خان قطب‌آبادی (حاجی

کلاتر)

حاجی اسمعیل کازرونی

حاجی امان‌الله خان اردلانی (کردستانی)

عز‌الممالک

حاجی بابا کازرونی، معین‌التجار

حاجی حبیب‌الله خان قوام‌دیوان

حاجی حسینقلی خان قوام‌الممالک، فلاردی

حاجی خان بیگ موصلو

حاجی سیدآقا معین‌التجار (بهبهانی)

حاجی سیدابراهیم اردکانی (حاجی

مدرس)

حاجی سیدجعفر مزارعی، مجتهد

حاجی سید عبدالحسین لاری، مجتهد

حاجی سید محمد ساوهای، سلطان‌العلماء

حاجی شمس‌الدین خان فتح‌الملک

حاجی شیخ یوسف کازرونی

حاجی عبدالنبی برازجانی، وثوق‌التجار

حاجی غلامحسین بهبهانی، ملک‌التجار

حاجی غلامعلی بهبهانی

حاجی فضلعلی خان، مسعودالدوله

حاجی محمدجواد شیروانی، شیرازی

حاجی محمد دهدشتی، معین‌التجار

(بوشهری)

حاجی میرزا ابوالحسن کازرونی

حاجی میرزا ابراهیم اعتمادالاسلام (مشهور

به حاجی مجتهد)

حاجی میرزا احمدخان لاری

حاجی میرزا حسین تبریزی

حاجی میرزا جعفرخان مبین‌السلطنه

- سید اصغر زارع شیرازی، فخر السادات
 سید بهاء الله سروستانی، صدر الانام
 سید تقی ونکی، ملک المحققین
 سید جلال الدین وکیل الرعایا، سروستانی
 سید جواد خان دبیر الممالک
 سید جواد یزدی، محقق العلماء
 سید حسین علی ناصر سادات کازرونی
 سید شریف ونکی، مجتهد
 سید ضیاء یزدی، ضیاء الواعظین
 سید طاهر دزفولی
 سید عبداللطیف صدر العلماء
 سید علی سروستانی، مشیر سادات
 سید علی کازرونی، مجتهد
 سید محمد جهرمی، صدر الانام
 سید محمد رضوی
 سید محمد شرفه
 سید محی الدین مزارعی
 سید مصطفی خان «راسخ»
 سید یدالله یزدخواستی
 سید یعقوب اردکانی
 سیف الله خان، سرهنگ
 شکر الله خان اردکانی
 شکر الله خان بهادر الملک مرو دشتی
 شکر الله خان تامرادی (بویراحمادی)
 ضیغم الدوله
 شکر الله خان کلاتی
 شیخ جعفر محلاتی، مجتهد
 شیخ جلال الدین رئیس العلماء
 شیخ حاتم خان آل نصور
 شیخ سیف الله خان آل نصور
 شیخ عبدالرحمن فرامرزی [ی]
 شیخ عبدالرسول بزاز
 شیخ عبدالعزیز شیرازی، مؤید الشریعه
- شیخ عبدالکریم سعادت (شبانکاره)
 شیخ علاء الدین، علاء الشریعه
 شیخ علی بولوردی
 شیخ علی دشتی
 شیخ علی «چرمی»
 شیخ محمد احمد خلفان، آل حرم
 شیخ محمد باقر شیخ الاسلام شیرازی
 شیخ محمد تقی بستکی، صولت الملک
 شیخ محمد تقی فسایی، امین الشریعه
 شیخ محمد چاه کوتاهی، سالار اشجع
 شیخ محمد حسن عماد الشریعه
 شیخ محمد حسین بُراز جانی
 شیخ محمد حسین بوانسانی، «استخر»
 شیرازی
 شیخ محمد حسین سعادت (شبانکاره)
 شیخ محمد حسین شیرازی (معروف به
 «حیات»)
 شیخ محمد علی، امام جمعه شیراز
 شیخ محمد یزدی، امین الواعظین
 شیخ مذکور خان آل نصور
 شیخ مرتضی محلاتی، مجتهد
 صادق خان سالار معظم اصفهانی
 صمد آقا علی آف
 عباس خان فیروز آبادی
 عبدالحسین خان بهارلو
 عبدالحمید خان دشتی
 عبدالرسول آقا قنواتی، بهادر السلطان
 عبدالله خان دشتی
 عبدالله خان چرامی
 عزت الله خان هدایت
 عزرا ژوزف نوریل
 باباخان داغونی، هُزبر دیوان
 عزیز الله خان نوری، جلال الملک

عزیزالله میرزا، ظفر السلطنه	محمدخان، امیر شوکت
علی اصغر خان حکمت	محمدخان پیراشکفتی
علی اکبرخان ده بزرگی، بهادر اعظم	محمدخان تنگستانی
علی اکبرخان گله داری	محمدحسن خان بولوردی، مسعود الممالک
علی پناه کیخا دره شوری	محمدعلی خان پولادی (تنگستانی)
علی خان آشتیانی، اعظام السلطنه	محمدعلی خان شیرازی، احیاء السلطنه،
علی خان قشقایی، سالار حشمت	دکتر
علی قلی خان هدایت	محمدعلی خان مترجم الملک
علی محمدخان گراشی، اقتدار الممالک	محمدعلی میرزا یاور
علی ویس خان بکر، بهادر دیوان خشتی	محمد رضاخان بستکی، سطوت الممالک
غلامحسین خان کشکولی	محمد قاسم خان فتح الملک
غلامحسین خان غفاری، صاحب اختیار	محمد کاظم خان مستشار السلطنه دوم
غلامرضاخان قشقایی، اسعد السلطنه دوم	محمد مهدی میرزا ابتهاج السلطان
غلامرضاخان مقبل السلطان	محمد ناصر خان قشقایی
فتح الله خان کشکولی	محمودخان، امیر لشکر
فتح الله خان دالکی	مسیح خان فارسیمدان
فرج الله خان کمارجی	مشهدی محمد ابراهیم کازرونی (فراشباهی)
فریدون بهرام	شجاع دیوان
فضل الله خان زاهدی (بصیر دیوان)	مظفر الله خان بویراحمدی، گرمسیری
فقیه زین الدین دشتی	مظفر خان دشتی
فیروز میرزا نصرت الدوله	ملا رافائل، ارفع السلطنه
قائد محمدجعفر شبانکاره ای	ملاعیوض قلی کمارجی
قلی خان کمارجی، متصرف دیوان	ملا قباد سی سختی
کاظم خان مشیر همایون	منصور خان دالکی
کاظم خان نوری، مدبر السلطنه دوم	میرزا ابراهیم خان بزرگ زاده، مهندس الدوله
کرامت الله خان	میرزا ابراهیم خان قوام الملک پنجم
کریم خان هدایت، دکتر	میرزا ابراهیم خان «منشی باشی»
لطفعلی آقا، سرهنگ	میرزا ابوالحسن خان شیرازی
لطفعلی خان امیر ارفع	میرزا ابوالفضل محلاتی، مجتهد
لطفعلی خان مؤید السلطنه	میرزا ابوالقاسم خان بصیر السلطنه
لطفعلی خان نوری، بهاء السلطنه	میرزا ابوالقاسم خان نصیر الملک دوم
محمد اسمعیل خان پل آبگینه ای	میرزا احمدخان ارفع الملک
محمد تقی خان عرب، یاور	میرزا احمدخان پژوه

- میرزا احمدخان جلیل السلطنه
 میرزا احمدخان حکیم «رابط»
 میرزا احمدخان مسعودسلطان
 میرزا احمدخان مشیراعظم
 میرزا احمدعلی، رفعت الدولة شیرازی
 میرزا بزرگ (یدیع الزمان) افخم السلطنه
 میرزا تقی خان گیلانی، مستشار اعظم
 میرزا جلال شیرازی، عمادالملک
 میرزا جواد «مدیرزاده»
 میرزا حبیب الله خان آموزگار
 میرزا حبیب الله خان علی آبادی
 میرزا حبیب مولی (شیرازی)، نوبخت
 میرزا حسن خان متین السلطان، اصفهانی
 میرزا حسن خان مسعودالسلطنه
 میرزا حسنعلی مستوفی، آصف الممالک
 میرزا حسین خان پرتو
 میرزا حسین خان حق شناس
 میرزا خانی
 میرزا داودخان بنان الملک
 میرزا رضاخان حکمت، بهاء السلطان
 میرزا زین العابدین خان، مؤتمن الوزاره
 شیرازی
 میرزا سلطان محمدخان طباطبایی، سردار
 امجد بهبهانی
 میرزا سیدابوالقاسم خان طباطبایی،
 مصباح الدوله، نایینی
 میرزا (سید) سعیدخان، مشیرالسلطان
 میرزا (سید) محمودخان طباطبایی،
 ثقة السلطنه، نایینی
 میرزا شاهرضا بولوردی، قوام دفتر
 میرزا صادق خان سررشته دار، جلال لشکر
 میرزا عباسقلی خان معدل دیوان
 میرزا عبدالحسین خان شیرازی
 میرزا عبدالحسین صدری، رکن الملک
 میرزا عبدالمجیدخان، لسان الملک سوم،
 کاشانی
 میرزا عبدالصمدخان زرقانی
 میرزا عبدالکریم بهبهانی
 میرزا عبدالله خان جهرمی
 میرزا عبدالله «متولی»، نظام التولیه
 میرزا عبدالله وصال
 میرزا علی خان آشتیانی، بیان الممالک
 میرزا علی آقا بزاز
 میرزا علی اصغر خان آشتیانی، بصیرالدوله
 میرزا علی اکبرخان ارسنجان، معزالملک
 میرزا علی اکبرخان مؤتمن الملک
 میرزا علی خان بصیردیوان
 میرزا علی خان ضیاء السلطان
 میرزا علی رضا (آقاجان)، شیرازی،
 ضیاء الادباء
 میرزا علی رضاخان، مترجم السلطنه
 میرزا علی رضاخان مقتدردیوان
 میرزا علی روحانی
 میرزا علی کازرونی
 میرزا علی محمدخان نصرالدوله
 میرزا فتح الله خان مؤیدالسلطان
 میرزا فتحعلی خان رونق الدوله
 میرزا قاسم خان کواری، آصف الملک
 میرزا قاسم خان مغيث الدوله
 میرزا محسن خان نوری، معتضدهما یوم
 میرزا علی محمد امین خاقان
 میرزا محمدباقرخان شیرازی
 میرزا محمدتقی خان، مؤیدالملک دوم
 میرزا محمدتقی شانگهای
 میرزا محمدحسن دوافروش، ضیاء الاشراف
 میرزا محمدحسن دستغیب

میرزا هادی قناد شیرازی، صاحب جمع	میرزا محمدخان آشتیانی، مصدق السلطنة
میرزا یوسف «پروین»، متصرف دیوان	میرزا محمدخان برازجانی، غضنفر السلطنة
میرزا یوسف خان مفخم السلطنة	میرزا محمدخان معز الممالک
میرعباس بویراحمد	میرزا محمودخان وصال، وقار السلطنة
میرمذکور بویراحمد	میرزا محمدرضا محرر، بنان الشریعه
ناصرقلی خان صدری، یاور	میرزا محمدصادق طباطبایی
نصرالله خان بویراحمدی (گرمسیری)	میرزا محمدعلی خان جهرمی، اعتمادهمایون
نصرالله خان دره شوری	میرزا محمدعلی خان ناظم الملک
نصرت الله خان، نصرت الممالک	میرزا محمد معین الاسلام بهبهانی
نظام الدین خان مشارالدوله دوم	میرزا محمودخان، صاحب دیوان سوم
نعمت الله میرزا معتصم الملک	میرزا مسیح خان بورنجانی مسیح الممالک،
نوروزعلی خان صدری	دکتر
نیمتاج خانم	میرزا مهدی خان طباطبایی، عماد السلطنة
هادی خان کشکولی	نایینی
های مالکلم	میرزا نصرالله بولوردی، معین دفتر
یحیی خان قراخانیان	میرزا نصرالله خان حکمت، بهاء الملک
	میرزا نصیری وصال، نصیرهمایون

شرح حال رجال فارس و پاره‌ای از مقامات ایرانی که در شیراز خدمت کرده‌اند.

آقاخان برازجانی، ضرغام السلطنه. متولد ۱۸۹۲. پسر میرزا علی‌خان برازجانی فقید (متوفی ۱۹۱۷) از خواهر اسمعیل‌خان شبانکاره، در نتیجه پسرعموی میرزا محمدخان برازجانی غضنفرالسلطنه* در ۱۹۱۱ غضنفرالسلطنه به تهمت واقعی یا واهی آنکه قصد جان او را داشته‌اند میرزا علی‌خان، آقاخان و برادر کوچکترشان رضاقلی‌خان را بازداشت و آنها را تا ۱۹۱۸ در برازجان به غل و زنجیر نگهداشت. در پی پیشروی قوای هندی از بوشهر در اکتبر ۱۹۱۸ میرزا محمدخان گریخت و آقاخان را مغلولاً به ارتفاعات گیسکان اعزام داشت؛ در آنجا بود که یک واحد از نیروهای هندی راه نگهبان‌ها را سد کرده و بعد از زدوخوردی او را آزاد کردند. با تأیید دولت ایران به‌عنوان ضابط برازجان منصوب شد و تا فوریه ۱۹۲۱ در این مقام، و با رعایت کامل منافع بریتانیا برجای ماند. مصدق‌السلطنه در دوره ایالت خود محمدخان [غضنفرالسلطنه] را مجدداً به ضابطی برگمارد و آقاخان در روستای پدرش زیارت جای گرفت و همچنین در بوشهر که سعی داشت در نیمی از سهم منطقه برازجان سهیم گردد. در ۱۹۲۱ بعد از آنکه کلانتر دالکی توسط پلیس جنوب کشته شد، به‌عنوان کلانتر دالکی منصوب شد. در اینجا نیز به‌خاطر رفتار متعادل خود سبب رضایت کاروان‌ها بود و نظام‌السلطنه پذیرفت املاک خود را به او اجاره

*. نام‌هایی که به این نشانه مشخص شده‌اند، در این مجموعه مدخل علیحده‌ای دارند.

دهد. در اکتبر ۱۹۲۲ برادرزاده فتح‌الله‌خان* کلاتر سابق دالکی موفق شد با کمک حاجی سیدجعفر مزارعی یکی از ملایان شیراز که والی را تحت فشار قرار داده بود، موجبات عزل آقاخان را فراهم آورد. اگرچه هم از جانب مقامات بریتانیا و مقامات ایرانی از وزیر جنگ خواسته شد که با اعاده منصب پیشین به او موافقت شود اما والی، صارم‌الدوله تمایلی نداشت. در ۱۹۲۳ آقاخان برای کوتاه کردن دست عموزاده و پدرزنش میرزا محمدخان از برازجان، تحریکاتی را آغاز کرد؛ هواداری خود را از «ناسیونالیست»ها یا دموکرات‌ها اعلان داشت و از این راه توانست نظر مساعد روزنامه‌نگاران در شیراز و شیخ محمد چاه‌کوتاهی را جلب کند. در اوت / اکتبر ۱۹۲۳ در مخالفت با میرزا محمدخان اعلان کرد که حاضر است مالیات برازجان را به ۱۱,۰۰۰ تومان افزایش دهد. در اکتبر ۱۹۲۳ هر دوی خوانین به شیراز احضار شدند و دولت تصمیم گرفت خود مستقیماً امر گردآوری مالیات را برعهده گیرد. برادران کوچکتر او، رضاقلی‌خان و احمدخان.

آقاخان شبانکاره‌ای. متولد حدود ۱۸۷۳. پسر حاجی اسدالله‌خان شبانکاره‌ای فقید از محال دشتستان، و پسرعمو و داماد اسمعیل‌خان و ضابط فقید دشتستان که به دلیل جاه‌طلبی و رقابت آقاخان با پسرهای او، نسبت به وی بی‌اعتماد بود. در درویشی، در کنار رود حله زندگی می‌کند و اداره یک‌سوم منطقه شبانکاره را برعهده دارد. در پی اتخاذ یک رویکرد دوستانه نسبت به بریتانیایی‌ها از سوی اسمعیل‌خان و پسرش محمدعلی‌خان در ۱۹۱۵، آقاخان با رؤسای ضدانگلیسی برازجان و چاه‌کوتاه و ناسیونالیست‌ها همراه شد و در زدوخوردهایی که در ۱۹۱۷-۱۹۱۶ میان شبانکاره و حیات داود از یک‌سو و برازجان از سوی دیگر رخ داد شرکت کرد. در پی اشغال دشتستان توسط قوای هندی در ۲۰-۱۹۱۸ باعث شد آرام گیرد و مداخله‌ای در امور آن منطقه نکند. اما بعد از فراخوانده شدن قوای پلیس جنوب بر ضد سهراب‌خان ضابط جوان دشتستان وارد عمل شد و از طرف خواهرزاده‌اش جهانگیرخان که پسربرچه‌ای بیش نیست مدعی نیمی از منطقه زیراه شد. چندین بار از اطاعت فرامین مقامات نظامی که او را به بوشهر احضار کرده بودند سرپیچی کرد تا آنکه در ۱۹۲۲ به شیراز احضار شد و چند ماهی بازداشت

بود. در نیمه دوم ۱۹۲۲ و اوایل سال ۱۹۲۳، رویارویی او با غضنفرالسلطنه* اوج گرفت و هریک مدعی دفاع از منافع خواهرزاده‌ای. آقاخان به ناسیونالیست‌های شیراز و شیخ محمد چاه‌کوتاهی نزدیک شده و در حال حاضر مورد حمایت آنهاست. پسر بزرگ او علی‌قلی خان متولد حدود ۱۹۰۱ است.

آقاخان لیراوی. متولد ۱۸۷۶. پسر سوم حاجی حسن خان فقید. به پیشنهاد پدرش و بعد از فوت او در ۱۹۱۱ ضابطی منطقه ساحلی لیراوی را برعهده گرفت؛ نخست با همکاری برادر بزرگترش کرم‌الله‌خان و آنگاه بعد از بروز تحریکاتی از سوی برادر در ۱۹۱۴ که به بازداشت او منجر شد خود به تنهایی این مهم را برعهده گرفت. با خواهر خوانین حیات داودی که عموزاده نیز هستند ازدواج کرده است. تمامی مناسبات خارجی خود را به حیدرخان حیات داودی سپرده، از متحدان نزدیک اوست. اجاره‌دار املاک حاجی سعیدالسلطنه* در لیراوی است و عواید این ملک را که در رهن بانک شاهنشاهی است، مرتب بدانک می‌پردازد. در سال‌های ۱۹۰۹-۱۹۱۷ که دائماً در خطر حمله خوانین بختیاری بود، برای دفع این خطر به مقامات بریتانیا وابسته بود. خوش خلق و خوش مشرب است، از دوستان محسوب می‌شود. در حصار زندگی می‌کند. فقط دو دختر دارد.

آقاسردار نودانی. متولد حدود ۱۸۷۷. پسر مرحوم ملاشمس‌الدین «شیرکُش»، برادر میرمحمدعلی که از او شهرت بیشتری داشت. هر دو پسران میرعبدالغفار. از جانب مادر با خوانین کشکولی نسبت دارد. کلاتر جلگه کوهمره و ساکن نودان. ناظم‌الملک* مالک پیشین منطقه در ۱۹۱۹، ترتیبی داد که به بغداد تبعید شود؛ سربازان هندی برای دستگیری او وارد عمل شدند، اما به تهران گریخت. برای حاجی غلامعلی بهیانی* مالک فعلی منطقه موجب دردسر است و با پسرعمویش آقاصدوری نیز دشمنی دارد. دخترش همسر ناصرادیوان کازرونی* است. فرد نامطلوبی است.

آقاعلی زارع (شیرازی). متولد حدود ۱۸۷۲. پسر حاجی محمداسمعیل فقید که

در حوالی دروازه کازرون شیراز زراعت می‌کرد. بر اساس انتخاب فرمانفرما به نمایندگی دوره چهارم مجلس رسید (۱۹۱۹) اما مدت زمان چندانی در مجلس نماند و در ۱۹۲۱ به شیراز مراجعت کرد. نه تحصیلات چندانی دارد و نه نقشی در سیاست، و نفوذش از محله دروازه کازرون شیراز فراتر نمی‌رود. با دختر حاجی آقا «کل»^۱ ازدواج کرده است.

آقا محمد حسین دهدشتی. متولد حدود ۱۸۸۸. فرزند ارشد حاجی عبدالرحیم دهدشتی از تجار معتبر و Commision Agent for Shiraz، پسرش نیز به همین ترتیب. در ۱۹۲۲ به تهران و مشهد سفر کرد و نمایندگی شرکت اتومبیل‌سازی «آندویچ»^۱ را برعهده گرفته است. اهل دود و دم، و بازرگان.

ابراهیم خان سورمقی، بهادر دیوان. متولد حدود ۱۸۷۵. پسر عسکرخان فقید (متوفی حدود ۱۸۹۴) و برادر خسروخان سورمقی که شهرت بیشتری داشت و در ۱۹۰۵ در تعقیب راهزنان کشته شد. بزرگ روستا و منطقه [سورمق]، در جنوب آباد و سر راه جاده شیراز-اصفهان. در پی محاصره آباد توسط قشایی‌ها به پلیس جنوب خیلی کمک کرد. او یکی از معدود رؤسای بود که بر ضد پلیس جنوب وارد عمل نشد. در سازمان جدید امنیه، مسئولیت بخش میان امین آباد تا خان‌خوره را برعهده داشت، اگرچه در بهار ۱۹۲۱/۱۳۰۰ از سوی فرمانده نیرو جریمه شد و تنگ‌هایش را تسلیم کرد؛ بسیار دوستانه.

ابوتراب خان، سلطان. متولد حدود ۱۸۹۰. در تهران طلبه بود. در ۱۹۱۳ به عنوان نایب دوم به ژاندارمری (سوندی) پیوست. در ۱۹۱۵ مأمور پاسگاه‌های کمارج، میان‌کتل و نقاطی دیگر در جاده [شیراز-بوشهر] شد. در حوادث آن سال در شیراز نبود. برای مدتی کوتاه به حکم فتح‌الملک بازداشت شد. بعد از رهایی عازم تهران شد و در ۱۹۱۶ به «مهاجرینی» که با ترک‌ها و آلمانی‌ها همراه شده بودند پیوست.

بعداً ژاندارمری تهران. در تابستان ۱۹۲۲ برای خدمت به ستاد امنیه به فارس اعزام شد. در ۱۹۲۳ بر ضد پاره‌ای از خوانین انگلیس‌خواه راه [شیراز- بوشهر؟] تحریکاتی به عمل آورد و باعث شد نظامی‌ها به آنها حمله و برکنارشان سازند. در مه ۱۹۲۳ به اتهام فساد و ارتشاء از مقام خود در فارس برکنار شد. به یزد منتقل شد. دسیسه‌گر و فاسد.

احمدخان اخگر. متولد حدود ۱۸۷۳. روستازاده‌ای از منطقه کن و سولقان قزوین. به مدت پنج سال در تهران، در وزارت فوائد عامه منشی بود. در ۱۹۱۲ به ژاندارمری (سودی) پیوست و به شیراز اعزام شد. در ۱۹۱۴ به منصب سلطان (کپتین) ارتقاء یافته و حدود ۱۶ ماه ریاست نیروی مستقر در جاده بوشهر، از کازرون به برازجان، را عهده‌دار بود. یک دموکرات و یکی از افسران تهرانی‌ای که دسیسه‌های ضدبریتانیایی‌اش به حوادث شیراز در ۱۹۱۵ منجر شد. خود در میان خوانین مستقر در امتداد جاده- ناصردیوان، میرزا محمدخان برازجانی و شیخ حسین‌خان چاه‌کوتاهی- به رشته تبلیغاتی دست زد که در زدوخورد آنها با بریتانیایی‌ها تأثیر فراوانی داشت. جامعه بریتانیایی‌های شیراز را به اسارت، به آهرم بُرد. سیاست او مشخصاً خودخواهانه بود (و مجدداً در ۱۹۲۳، هست). در دسامبر ۱۹۱۵ رهسپار اصفهان و در ۱۹۱۶ در سفر «مهاجرین» که برای پیوستن به ترک‌ها و آلمانی‌ها پایتخت را به مقصد کرمانشاه و [سپس] ترکیه عثمانی ترک کردند حضور داشت و تا ۱۹۱۸ در آنجا بود. در ۱۹۲۰ مجدداً به ژاندارمری پیوست و ریاست ژاندارمری کرمانشاه را برعهده گرفت و در همین منصب در دوره حکومت سیدضیاءالدین، حاکم کرمانشاه، صارم‌الدوله را بازداشت کرد اما از هر حیث رعایت حال او را کرد. در ۱۹۲۱ وارد قشون سردار سپه شد و به منصب سرهنگی دست یافت. افسر فرمانده در سلطان‌آباد (اراک)، اما به دلیل بی‌کفایتی یا تأخیر در برنامه‌ریزی برای لشکر غرب به گونه‌ای که از او خواسته شده بود، به حکم وزارت جنگ اخراج شد. در ژانویه ۱۹۲۳/ دی- بهمن ۱۳۰۱ (پس از زمینه‌چینی‌های میرزا علی کازرونی (یکی از متحدان او در کارزار پیشین بر ضد بریتانیا در دشتستان) از صارم‌الدوله خواستار شغلی شد و به حکومت دشتی و دشتستان منصوب گردید.